

## آثار مثبت و منفی حرکت اخباریان

- دکتر محسن جهانگیری<sup>۱</sup>
- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

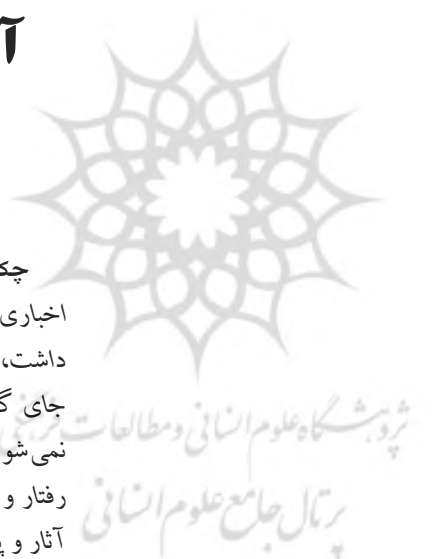
### چکیده

اخباری‌گری که در برهه‌ای از تاریخ فقه و اصول امامیه ظهور و بروز بارزتری داشت، آثار و پیامدهای مثبت و منفی فراوانی در اندیشه و عمل اصولیان بر جای گذاشته است. هر چند امروزه تجلی و ظهور چندانی از این حرکت دیده نمی‌شود، هنوز هم شاهد نتایج مثبت و همین‌طور رسوبات این اندیشه در رفتار و منش برخی اصولیان هستیم. این مقاله بر آن است که گوشه‌ای از این آثار و پیامدها را به تصویر بکشد.

واژگان کلیدی: اخباری، اصولی، اخباری‌گری، اصولیان، حدیث، روایت.

### مقدمه

فقیهان امامی از عصر نزول وحی تا کنون بر حسب نیاز و در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای زمان خویش از ابزار اجتهاد به خوبی استفاده برده‌اند. البته کمیت و کیفیت به کارگیری اجتهاد با توجه به عنصر زمان و گستره نیازها متفاوت بوده است. از



آنجا که آنان در این مسیر از به کار گرفتن علم اصول ناگزیر بوده‌اند، به اصولیان شهرت یافته‌اند.

واژه اجتهاد با توجه به کاربردی که در فقه اهل سنت دارد، می‌تواند دارای بار معنایی منفی نیز باشد؛ از این رو، در سخن امامان پاک علیهم‌السلام نکوهش شده است. با توجه به آنچه گفته شد، جمعی از عالمان امامی این معنا را برناتفتند و مکتب تازه‌ای را پی افکندند. از آنجا که این مکتب تازه، فقط اخبار را منبع دست‌یابی به حکم خدا می‌دانست و حتی ظاهر قرآن را هم تنها با اخبار می‌پذیرفت، «اخباریه» نام گرفت و پیروان آن به اخباریان شهره شدند.

گرچه اخباری‌گری نگاهی انحرافی نسبت به آنچه مشهور عالمان امامی عمل کرده‌اند- تلقی می‌شود، از آنجا که این نگاه کاملاً خیرخواهانه و معتقدانه بوده، خدمات فراوانی را نیز به جهان اسلام، به ویژه تشیع، ارائه کرده است. در کنار این خدمات، پیامدهایی منفی نیز به جا گذاشته است که می‌توان آن را با عنوان «رسوبات اخباری‌گری در اندیشه اصولیان» مطرح ساخت. این نوشتار نگاهی گذرا به این دو بخش خواهد داشت.

### ۱. خدمات اخباریان

در این بخش در ضمن چند مبحث، نمونه‌هایی از خدمات اخباریان ذکر می‌شود.

#### ۱-۱. پیدایش جوامع مهم حدیثی

یکی از خدمات دوره اخباری‌گری که بسیار تأثیرگذار و پاینده است، به وجود آمدن جوامع مهمی در حدیث و اخبار است؛ از قبیل *الوافی* تألیف فیض کاشانی (م. ۱۰۹۱ ق.)، *وسایل الشیعه* تألیف شیخ حرّ عاملی (م. ۱۱۰۴ ق.) و *بحارالانوار* اثر محمدباقر مجلسی (م. ۱۱۱۰ ق.). به اختصار مطالبی در معرفی هر کدام ذکر می‌شود.

#### الف) الوافی

این اثر تمامی احادیث کتابهای حدیثی چهارگانه شیعه (تهذیب، استبصار، کافی و من لا یحضره الفقیه) را با ترتیب خاصی جمع کرده است که با مراجعه به آن، نیازی

به مراجعه مستقیم به کتابهای یادشده نمی‌باشد. در این کتاب، علاوه بر مقدمه، ۱۴ فصل مستقل با عناوین العقل و الجهل و التوحید، الحجّة، الايمان و الکفر، الطهارة و الزینة... و در انتهای آن، خاتمه آمده است.

این کتاب بزرگ، ۲۷۳ باب مختلف و حدود پنجاه هزار حدیث دارد. اخیراً کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام اصفهان آن را در ۲۶ مجلد منتشر کرده است.

#### ب) وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه

کتاب *وسائل الشیعه* مشتمل بر یکی از دو بخش علم، یعنی فروع فقهیه است. کتابی است جامع با نکاتی دقیق و ارزشمند که در طول سه قرن، همه مباحث فقهی، دایر مدار آن بوده و مورد استفاده همه فقیهان شیعه قرار گرفته است. همه فقیهان بر حکایت از این کتاب و استناد به آن اتفاق نظر دارند.

*وسائل الشیعه* از بهترین جوامع حدیثی است که احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام را در احکام و واجبات و مستحبات و آداب، جمع آوری کرده است. علاوه بر احادیث فراوانی که از کتابهای حدیثی چهارگانه شیعی ذکر کرده، احادیث زیادی را از اصول و کتابهای معتبر اصحاب امامان معصوم علیهم‌السلام آورده و نام ۱۸۰ کتاب از این کتابها را در ابتدای فهرست *وسائل الشیعه* ذکر کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴-۹).

این کتاب از زمان تألیف تاکنون همیشه از مهم‌ترین منابع و مصادر حدیثی بوده و همه عالمان اصولی و اخباری با اعتماد از آن نقل می‌کرده‌اند. مصنف حدود بیست سال برای این کتاب وقت صرف کرده است (همان: ۱/۱). پس از او نیز شرحها و تعلیقه‌های فراوانی بر آن نوشته شده است. در حال حاضر، این کتاب هم در دوره‌های بیست مجلّدی و هم دوره‌های سی مجلّدی بارها به چاپ رسیده است. تمامی ابواب فقه از طهارت تا دیات در این کتاب به همراه روایات مربوط به آن آمده است.

از ابتکارات ارزشمندی که مصنف در این کتاب به کار گرفته، ذکر فهرست با مقدمات خاصی است که خود یک کتاب جامع فقهی است و از آن به «من

لایحضره الفقیه» یاد کرده است. مصنف خود می‌نگارد:

از آنجا که این فهرست شامل بیشتر اقوال امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشد، سزاوار است که به نام «من لایحضره الفقیه» نامیده شود (همان: ۱/مقدمه).

شیخ حرّ عاملی که خود از محدثان بزرگ و اخباریان معروف مکتب اخباری‌گری به معنای جدید آن می‌باشد، علاوه بر تألیف دهها کتاب و اثر دیگر، این تحفه ارزشمند را نیز به دانشیان فقه عرضه داشته است.

در **الذریعه** آمده است:

این کتاب یکی از جوامع بزرگ حدیثی متأخر است. این جوامع عبارت‌اند از **وافی**، **بحار** و **وسائل**.... این کتاب تمام احادیث کتابهای چهارگانه شیعه را که مدار فقاقت بر آن است، در بر دارد. علاوه بر آنکه اکثر روایات کتابهای شیعه را نیز شامل می‌شود (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۹: ۳۵۲/۴).

البته اخباری که در جلد نخست اصول کافی آمده، در این کتاب ذکر نشده است. این کتاب با نام **تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة** معرفی شده که به اختصار کتاب **وسائل** یا **وسائل الشیعه** گفته می‌شود.

برخی این کتاب را جامع‌تر و مرتب‌تر از **وافی فیض کاشانی** و **بحار الانوار** مجلسی (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۹: ۳۵۴/۴) و نسبت این کتاب را به سایر مراجع حدیثی پسینان، همچون نسبت کافی به سایر کتابهای جوامع حدیثی پیشینان دانسته‌اند. جامعیت این کتاب نسبت به کتاب **وافی** امر مسلمی است؛ زیرا در **وافی** فقط اخبار کتب اربعه آمده است.

البته باید متذکر شد که این کتاب در عین جامعیت نسبت به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، باز هم تعداد زیادی از احادیث را که از آن بزرگواران روایت شده نیاورده است که بعدها محدث نوری در کتاب **مستدرک وسائل الشیعه** به جمع‌آوری و نقل برخی از این موارد پرداخته است.

### ج) بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم‌السلام

علامه محقق محمدباقر مجلسی (م. ۱۱۱۰ ق.) این کتاب را در ۲۶ مجلد بزرگ

چاپهای قدیم تألیف کرد. این کتاب در یکصد و ده مجلد در قطع وزیری بارها چاپ شده است. این کتاب را می‌توان دایرة المعارف شیعی نام گذاشت. تمامی احادیث کتابهای حدیثی چهارگانه شیعه به جز اندکی و نیز احادیث فراوان دیگری که در آن کتابها نیامده است، در این دایرة المعارف بزرگ آمده است. به طوری که هیچ‌گاه شخص محققى که در پی فهم نظر دین و مکتب در موضوعی از موضوعات باشد، از مراجعه به این کتاب بی‌نیاز نیست.

البته روایات متناقض و متهافت یا روایاتی که قابل عمل نیست، در این مجموعه بزرگ روایی وجود دارد؛ مثلاً در یک باب، قصه یا معجزه‌ای را به یک امام نسبت می‌دهد و در باب دیگر به امام دیگر، که البته نمی‌توان چنین چیزی را تهافت یا تناقض خواند؛ زیرا امکان چنین معجزه‌ای برای هر دو امام موجود است. این هم از فواید و برکات این مجموعه عظیم است که زمینه نقد و بررسی را با ردیف کردن این روایات فراهم آورده است.

قبل از این اثر ارزشمند، روایات در ابواب مختلف پراکنده بود، به گونه‌ای که کمتر کسی می‌توانست بر همه اخبار متعلق به مقصدی از مقاصد دینی دست یابد، مگر با زحمات فراوان که نوعاً سبب بی‌رغبتی مردم می‌شد.

در فضیلت این کتاب گفته شده:

این کتاب جامعی است که نه قبل از آن و نه بعد از آن، کتاب جامعی مانند آن نوشته نشده است؛ زیرا که علاوه بر جمع‌آوری روایات، نکات دقیق تحقیقی و پژوهشی فراوانی در آن هست که غالباً در غیر آن یافت نمی‌شود (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۹: ۱۶/۳).

علامه مجلسی پس از تألیف کتاب، دیگران را دعوت به استفاده از آن کرده است: ای برادران دینی که ادعای ولایت امامان معصوم علیهم‌السلام را دارید! به سرعت به این طعام و غذایی که برایتان فراهم ساخته‌ام، روی آورید و با اعتماد و یقین به آن چنگ بزنید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۱).

او سپس کتاب خویش را از نظر طراوت و زیبایی بی‌نظیر می‌خواند و هر کس را که منکر برتری مباحث آن است، نابینا و دشمن می‌شمارد (همان).

یکی از ایراداتی که بر روایات بحارالانوار گرفته شده، ضعیف بودن برخی از روایات و عدم پالایش آنهاست، حال آنکه با توجه به شأن مجلسی که در صدد تهیه یک دایرة المعارف و یا بانک اطلاعاتی گسترده بوده و بنا نداشته است که به پالایش بپردازد، چنین ایرادی وارد نیست. بهتر است دقت نظر و نگاه عالمانه و موشکافانه او در *مرآة العقول* که شرح بر کتاب ارزشمند کافی است، مورد ملاحظه قرار گیرد.

جمعی از بزرگان همانند استاد واعظزاده، مجلسی را اخباری نمی‌دانند و به نظر می‌رسد این نظریه با توجه به آثار او کاملاً درست است، ولی نمی‌توان انکار کرد که فراهم بودن شرایط در عصر اخباری‌گری تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری این دایرة المعارف شیعی داشته است.

البته منظور از ذکر این جوامع حدیثی در شمار خدمات اخباریان جدید، آن نیست که اصل وجود این جوامع حدیثی به سبب وجود اخباریان جدید بوده است، بلکه مقصود آن است که پیدایش اخباری‌گری جدید، زمینه را مساعد ساخت تا اندیشمندان بزرگ، همچون صاحبان جوامع حدیثی یادشده، فرصت را غنیمت شمرده، به خلق این آثار ارزشمند بپردازند؛ کاری که اگر شرایط به غیر این بود، شاید با دشواریهای بیشتر روبه‌رو می‌گشت. تسهیل شرایط و دست‌یافتن به منابع جدید با به کارگیری تلاش جمعی در جمع‌آوری و استفاده از آن، علت اساسی انجام این خدمت بزرگ به عالم فقاهت و استنباط شیعه بوده است.

**۱-۲. تأثیر گذاری در رشد و باروری هر چه بهتر علم اصول فقه**  
گرچه تلاش اخباریان جدید در راستای نابود ساختن علم اصول تلقی می‌شد، سخنان آنان در نکوهش اصولیان و انتساب آنان به تقلید از اهل سنت و اقتباس علم اصول از آنان، سبب شد تا اصولیان بزرگی همچون وحید بهبهانی، شیخ انصاری، آخوند خراسانی و دیگران تا عصر حاضر با نگاهی ژرف‌تر به مباحث اصولی که اساس بسیاری از مباحث معرفت‌شناختی امروزی را تشکیل می‌دهد، به تنقیح و توسعه مباحث اصولی بپردازند. آن قدر که می‌توان با نگاهی به کتابها و مباحث

اصولی قبل و بعد از دوره اخباری‌گری و مقایسه آن با هم، به خوبی شاهد این شکوفایی بود. ذکر مواردی هرچند با رعایت اختصار، اثبات‌کننده این مدعاست. البته این مقایسه نشان می‌دهد که این تأثیر گذاری در دو راستای پیدایش موضوعات جدید و فربه‌شدن موضوعات قبلی بوده است.

### الف) معارج الاصول

این کتاب از نظر کمیت مباحث، چیزی کمتر از نصف *کفایة الاصول* آخوند و کمتر از یک پنجم *فرائد الاصول* شیخ انصاری است. با توجه به آنکه *فرائد الاصول* فقط قسمتی از مباحث اصول را مطرح ساخته و *کفایة الاصول* آخوند خراسانی از نظر ایجاز گویی مباحث اصول ضرب‌المثل است، می‌توان دامنه وسیع مباحث اصول را بعد از دوره اخباری‌گری جدید شاهد بود.

*معارج الاصول* را نمی‌توان از نظر محتوایی و کیفیت پرداختن به مباحث با دو کتاب یادشده مقایسه کرد. گرچه *معارج الاصول* سالیان طولانی در حوزه‌های علمیه تدریس شده و در ضمن ده باب، مباحثی همچون معنای اصول فقه، خطاب، حقیقت و مجاز، اوامر، نواهی، عام و خاص، مجمل و مبین، افعال و احکام پیامبر صلی الله علیه و آله، اجماع، خبر واحد، خبر متواتر، تعارض، ناسخ و منسوخ، اجتهاد و تقلید، قیاس، استقراء، مصلحت و برخی مباحث متفرقه آورده شده است، از دو جهت بسیار محدودتر از کتابهای یادشده است.

جهت نخست محدودیت مباحث آن در هر یک از موارد یادشده است، به طوری که مطالب هر بحث در چند صفحه خلاصه شده و از فروض، اشتقاقات، رد و استدلالهای کتابهای اصولی بعد از عصر اخباری‌گری جدید خبری نیست. جهت دوم، پرداختن به مباحث دیگری است که جای آنها فقط در علم اصول است؛ نظیر:

۱. صحیح و اعم؛ ۲. ترتب؛ ۳. اجتماع امر و نهی؛ ۴. تمسک به عام در شبهه
- مصدقیه؛ ۵. دوران امر بین متباینین؛ ۶. دوران امر بین اقل و اکثر؛ ۷. دوران امر بین محدودین؛ ۸. علم اجمالی؛ ۹. شبهه محصوره و غیر محصوره؛ ۱۰. اضطرار به بعض

اطراف علم اجمالی؛ ۱۱. استصحاب امور تدریجی؛ ۱۲. استصحاب احکام شرایع سابقه؛ ۱۳. استصحاب کلی؛ ۱۴. اصل مثبت؛ ۱۵. تمسک به عام و استصحاب حکم مخصّص؛ ۱۶. استصحاب تعلیقی؛ ۱۷. مناط بقای موضوع در باب استصحاب؛ ۱۸. نسبت بین اصول؛ ۱۹. نسبت بین اصل و اماره؛ ۲۰. حکومت؛ ۲۱. ورود (گرجی، ۱۳۷۵: ۳۳۵).

البته پاره‌ای از این مباحث در گذشته نیز مطرح بوده است، لکن به صورت خیلی گذرا و سطحی، با وجود این، بیشتر این موارد در بحثهای اصولیان گذشته هیچ ردّ پایی ندارد.

### ب) تهذیب الوصول الی علم الاصول

تهذیب الوصول علامه حلّی، آخرین کتابی است که قبل از پیدایش معالم الاصول در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شد. اخیراً در تهران در ۱۰۹ صفحه به چاپ رسیده است. این کتاب دارای دوازده مقصد است که پس از مقدمات و بحثهای لغوی به مباحثی همچون امر و نهی، عام و خاص، مجمل و مبین، افعال معصوم، نسخ، اجماع، اخبار، قیاس، تعادل و تراجیح و اجتهاد پرداخته است. محدودیت عناوین و محتوای مباحث در حدّی است که به خوبی توسعه علم اصول و گسترش دامنه آن را بعد از علامه و در دوران پس از اخباری‌گری کاملاً مشهود می‌نماید.

### ج) القواعد و الفوائد

شهید اول در این کتاب در کنار قواعد فقهی و ادبی به قواعد اصولی نیز پرداخته است. او در مباحث اصولی بیشتر از علامه حلّی متأثر بوده است، به گونه‌ای که هم از لحاظ شکلی و هم از لحاظ محتوایی، قواعد اصولی خویش را در کتاب القواعد و الفوائد مطابق با مباحث علامه حلّی در کتاب تهذیب الوصول که قبلاً ذکر کردیم، مطرح ساخته است.

### د) تمهید القواعد الاصولية و العربية لتفريع الاحكام الشرعية

مؤلف در کنار صد قاعده ادبی، صد قاعده اصولی را بر حسب معهود ابواب اصولی ذکر کرده است. هفت مقصد این کتاب که ابواب اصولی را ذکر کرده، عبارت

است از: فی الحکم، فی الکتاب و السنّة، فی الإجماع، فی القیاس، فی أدلّة اختلاف فیها، فی التعادل و التراجیح، و فی الاجتهاد و التقليد.

### ه) معالم الاصول

کتابی که مدتها کتاب درسی حوزه‌های علمیه بود. در این کتاب گذشته از آنچه در مقصد اول در فضیلت علم و وظایف عالمان بیان کرده، نه مطلب و یک خاتمه اصولی را در مقصد دوم ذکر کرده است که مباحث الفاظ، اوامر و نواهی، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، اجماع، اخبار، نسخ، قیاس و استصحاب، اجتهاد و تقلید را در بر دارد و در خاتمه تعادل و تراجیح آمده است. این کتاب گرچه بسیار موجز و مختصر به ذکر مباحث اصولی پرداخته است، مهم‌ترین کتاب اصولی است که مقارن با آغاز عصر اخباری‌گری جدید نوشته شده و سالها مورد اهتمام حوزویان قرار گرفته است.

آنچه گفته شد، بیانگر گوشه‌ای از تلاش عالمان شیعی در دانش اصول فقه، قبل از عصر اخباری‌گری جدید بود که مقایسه آن با آثار اصولی بسیار پر دامنه‌ای که هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی، دانش اصول را متحوّل ساخته و همه مربوط به بعد از عصر اخباری‌گری جدید است، تأثیر گذاری تلاشهای اخباریان جدید را در محور علم اصول و عکس‌العمل متقابل آن را به خوبی می‌نمایاند. برخورد شدید اخباریان و اصولیان در همان عصر اخباری‌گری جدید، سبب تألیف پاره‌ای از کتابهای مهم اصولی شد؛ همانند:

۱. غایة المأمول فی شرح زبده الاصول تألیف فاضل جواد (قرن یازدهم) (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۹: ۱۵/۱۶)؛

۲. حاشیة معالم تألیف فاضل تونی (قرن یازدهم) (همان: ۲۰۸/۶)؛

۳. واقیه تألیف مولی عبدالله تونی معروف به فاضل تونی (قرن یازدهم) (همان: ۱۷/۲۵)؛

۴. شرح زبده الاصول تألیف مولی صالح مازندرانی (قرن یازدهم) (همان: ۳۰۰/۱۳)؛

۵. حاشیة معالم الاصول تألیف محقق حسین بن جمال‌الدین خوانساری (قرن

یازدهم) (همان: ۲۰۶/۶)؛

۶. شرح *عدّة الاصول* تألیف مولی خلیل قزوینی (قرن یازدهم) (همان: ۳۶۸/۱۳)؛

۷. شرح *وافیه* تألیف سیدصدرالدین رضوی قمی (قرن یازدهم) (همان: ۱۶۶/۱۴).

هرچند علم اصول در عصر جدید اخباری گری رو به ضعف نهاد، کتابهای یادشده و مواردی از این قبیل که در پایان این دوره نوشته شد، نقش اساسی در ایجاد زمینه مساعد برای تحوّل شگرف دانش اصول را فراهم ساخت که در سده‌های اخیر شاهد آن هستیم.

یکی از محققان درباره مقایسه آثار اصولی بعد از عصر اخباری گری جدید از لحاظ تعداد با آثاری که در ادوار گذشته در این دانش تألیف شده است، می‌گوید: به یقین می‌توانیم تحقیقات اصولی این دوره را -مخصوصاً تحقیقاتی که در یک قرن اخیر، یعنی از زمان شیخ انصاری تاکنون، انجام گرفته است- با مجموع تحقیقات اصولی گذشته، یعنی تحقیقاتی که در حدود یازده قرن انجام گرفته است، مقایسه کنیم و در این صورت بدون شک چه از لحاظ کم و چه از لحاظ کیف، ترجیح با تحقیقات این دوره است (گرچی، ۱۳۷۵: ۳۲۳).

دانش اصول هم به طور عام از رشد و بالندگی خاص برخوردار گشت و هم به طور خاص و مباحث ویژه‌ای که مورد حمله اخباریان بود، همانند عدم جواز اعتماد به مقدمات عقلی برای استنباط حکم شرعی، عدم حجیت ظواهر کتاب، حجیت استصحاب و نظایر آن مورد دقت‌های ویژه و پژوهش‌های خاص قرار گرفته است. مناسب است برای متمیم فایده بحث، فهرستی از کتابهای اصولی بعد از این دوره را مرور نماییم (همان: ۳۳۱):

۱. *الفوائد الحائریه* تألیف وحید بهبهانی (۱۲۰۵ ق.) (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۹: ۳۳۱/۱۶)؛

۲. *قوانین الاصول* تألیف میرزا ابوالقاسم قمی (۱۲۳۱ ق.) (همان: ۲۰۲/۱۷)؛

۳. *المحصول* تألیف اعرجی کاظمی (۱۲۴۰ ق.) (همان: ۱۵۱/۲۰)؛

۴. *مفاتیح الاصول* تألیف سیدمحمد طباطبایی (۱۲۴۲ ق.) (همان: ۳۰۰/۲۱)؛

۵. *هدایة المسترشدين* تألیف شیخ محمدتقی بن عبدالرحیم (۱۲۴۸ ق.) (همان:

۱۹۵/۲۵)؛

۶. *عناوین الاصول* تألیف میرزا عبدالفتاح مراغی (۱۲۵۰ ق.) (همان: ۳۵۰/۱۵)؛

۷. *حقایق الاصول* تألیف مولی عبدالرحیم نجف آبادی (۱۲۸۶ ق.) (همان: ۳۰/۷)؛

۸. *الفصول فی علم الاصول* تألیف شیخ محمدحسین بن عبدالرحیم (۱۲۶۰ ق.) (همان: ۲۴۱/۱۶)؛

۹. *اشارات الاصول* تألیف مولی محمدابراهیم کاخکی اصفهانی معروف به کلباسی (۱۲۶۲ ق.) (همان: ۹۷/۲)؛

۱۰. *ضوابط الاصول* تألیف سیدابراهیم موسوی قزوینی (۱۲۶۴ ق.) (همان: ۱۱۹/۱۵)؛

۱۱. *فرائد الاصول* تألیف شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ ق.) (همان: ۱۳۲/۱۶)؛

۱۲. *مطرح الانظار* تألیف میرزا ابوالقاسم تهرانی کلانتر (۱۲۹۲ ق.) (همان: ۱۳۶/۲۱)؛

۱۳. *بشری الوصول الی علم الاصول* تألیف سیدحسین کوه‌کمری (۱۲۹۹ ق.) (همان: ۱۲۰/۳)؛

۱۴. *جوامع الشتات* تألیف محمود میثمی (۱۳۰۸ ق.) (همان: ۲۵۱/۵)؛

۱۵. *بدایع الافکار* تألیف حاج میرزا حبیب‌الله رشتی (۱۳۱۲ ق.) (همان: ۶۳/۳)؛

۱۶. *بحر الفوائد فی شرح الفرائد* تألیف حاج میرزا محمدحسن آشتیانی (۱۳۱۹ ق.) (همان: ۴۴/۳)؛

۱۷. *کفایة الاصول* تألیف آخوند محمدکاظم خراسانی (۱۳۲۹ ق.) (همان: ۸۸/۱۸)؛

۱۸. *مقالات الاصول* تألیف آقاضیاءالدین عراقی (۱۳۶۱ ق.) (همان: ۳۸۹/۲۱)؛

۱۹. *فوائد الاصول* (تقریرات درس نائینی)، تقریر شیخ محمدعلی کاظمی (۱۳۶۵ ق.) (همان: ۳۲۳/۱۶)؛

برخی از تألیفات اصولی اخیر همچون مباحث اصولی شیخ انصاری که حداقل در دو عنوان *فرائد الاصول* و *مطرح الانظار* معرفی می‌شود، علاوه بر آنکه دهها شرح و حاشیه را تاکنون با خود همراه ساخته و به تعبیر صاحب *الندریعه* (همان: ۱۳۲) فهمیدن مباحث شیخ انصاری خود افتخاری بزرگ محسوب می‌شود، با حجم بیش از سه هزار صفحه مباحث ناب اصولی را مطرح ساخته است.

همچنین *نهایة الافکار* آقاضیاء اراکی که شاگرد آخوند است، در چهار مجلد با حدود ۱۶۰۰ صفحه و *تحریرات فی الاصول* سیدمصطفی خمینی در هشت مجلد

بیش از ۳۷۵۰ صفحه و دروس فی علم الاصول شهید صدر در چهار مجلد و حدود ۱۶۰۰ صفحه و چندین نمونه دیگر، حکایت گر توسعه این دانش در سده‌های اخیر، به ویژه در سده معاصر، است.

### ۳-۱. نگاهی نو به برخی از مباحث اصولی

گرچه این مورد را می‌توان از زیرمجموعه‌های نمونه پیشین به شمار آورد، اهمیت آن به طور خاص جای ذکر جداگانه برای چنین مقوله‌ای را می‌گشاید. اخباریان به طور خاص، اجماع و دلیل عقل را مورد حملات خویش قرار دادند و در مواردی به طور خاص دلیل عقل را برناتافتند؛ از قبیل بحث حجیت استصحاب از باب عقل و دلیل ظنی؛ از این رو، دقت نظر اصولیان در بازنگری این مسائل دست‌آوردهای تازه‌ای را به ارمغان آورد.

#### الف) اجماع

نگاهی به بحث گسترده شیخ انصاری در *فرائد الاصول* (انصاری، ۱۳۷۵: ۹۲/۱-۱۲۶) نسبت به این مقوله بیانگر آن است که اجماع به عنوان یک دلیل قابل استدلال نمی‌تواند مورد توجه باشد؛ زیرا اساس آن بر کاشفیت از نظر معصوم علیه السلام یا دلیل معتبر است که تحصیل آن محال است و منقول آن ارزش دلالت ندارد و بر فرض دلالت، زیرمجموعه سنت است و نه بیشتر. این نگاه به مقوله اجماع که از زمان شیخ طوسی رحمته الله تا زمان شیخ انصاری و از زمان او تاکنون در کتب فقهی استدلالی امامیه به عنوان یکی یا تنها دلیل از ادله اثبات حکم معرفی شده است، تا حدود زیادی معطوف به اشکال و ایراد اساسی بر اجماع است که اخباریان جدید مطرح ساختند. این نگاه در کلام اصولیان بعد از شیخ نیز به خوبی مشهود است. آخوند خراسانی در بحث اجماع پس از توضیحاتی، در حجیت آن می‌نگارد:

خلاصه آنچه گفتیم، ارزش اجماع منقول به خبر واحد از جهت حکایت کردن نظر امام علیه السلام به دلالت تضمینی یا به دلالت التزامی مثل خبر واحد است، مشروط به آنکه کسی که اجماع برای او نقل شده است، ملازمه بین نظر امام علیه السلام را با آنچه برای او نقل شده است، قبول داشته باشد (آخوند خراسانی، ۱۳۶۸: ۷۲/۲).

عالمات اصولی کنونی هم هرچند اجماع را یکی از ادله اربعه می‌دانند، معترف‌اند که خود اتفاق و اجماع به تنهایی اعتباری ندارد، بلکه اجماع را به عنوان اینکه رأی معصوم علیه السلام در آن است و ناقل اجماع قاطع به رأی معصوم علیه السلام است، معتبر می‌دانند (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۴: ۴/۲۴۴).

البته همین نگاه از قدیم هم در بین اصولیان بوده است، ولی آنچه بعد از عصر اخباری‌گری اتفاق افتاد، نقد و بررسی بیشتر نظریه حجیت اجماع بود تا هم دیدگاه امامیه با صراحت بیشتر مطرح شود و هم عالمان اصولی از اتهام پیروی اهل سنت در قبول اجماع مبرا شوند.

آخر سخن اینکه بهتر آن بود، مباحث اجماع این قدر مورد تأکید قرار نمی‌گرفت، بلکه حرکت اخباریان در این زمینه مورد تأیید واقع می‌شد و اجماع فقط در حد ذکر مباحث در قالب اصول فقه مقارن نقد و بررسی می‌شد، و گرنه بحثی با این همه شاخ و برگ که کمترین استفاده فقهی را در مقام اثبات احکام دارد - اگر نگوئیم که هیچ استفاده‌ای ندارد - و صرفاً از باب مشکلات با اهل سنت مطرح می‌شود، به تزیین عمر شبیه‌تر است.

#### ب) دلیل عقل

اخباریان عقل را به عنوان یک دلیل مستقل قبول نکردند. انکار دلیل عقلی، انگیزه‌ای برای بررسی بیشتر و تنقیح مباحث مربوط به این موضوع شد و مسائل مربوط به ملازمات عقلیه، درک حسن و قبح عقلی، تابعیت حکم شرع نسبت به حکم عقل و حجیت حکم عقل مورد بحثهای فراوان قرار گرفت.

البته زیاده‌روی در اعتبار بخشیدن به دلیل عقلی به گونه‌ای که حتی کتاب و سنت هم تحت شعاع آن قرار بگیرد، هیچ‌گاه در بین اصولیان رایج نبوده است. ولی اینکه آیا ملازمه‌ای بین حکم عقل و حکم شرع وجود دارد تا از طریق حکم عقل به حسن و قبح بتوان به حکم شرع دست یافت، از بحثهایی است که به دنبال انکار حجیت عقل و دلیل عقلی از سوی اخباریان پیدا شده است؛ زیرا اخباریان نیز همانند سایر امامیه و بر خلاف اشاعره، حسن و قبح عقلی را می‌پذیرند، ولی اینکه از طریق

چنین حکمی بتوان به حکم شرع دست پیدا کرد، مورد انکار آنان است.

### ج) استصحاب

نگاه اصولیان به استصحاب پس از عصر اخباری‌گری جدید واقعاً دست‌خوش تغییر اساسی شد. در کلام پیشینیان، استصحاب حجیت خویش را از حکم عقل به بقا کسب می‌کرد و به عنوان اماره ظنیه معرفی می‌شد، اما اشکالهای اخباریان، اصولیان را به تفحص بیشتر واداشت و دستیابی به منابع جدید روایی و تألیف جوامع حدیثی، مسیر را هموارتر ساخت تا با استناد به روایات به اثبات حجیت استصحاب پردازند، تا جایی که تنها دلیل همان اخبار معرفی شده (آخوند خراسانی، ۱۳۶۸: ۲۸۱/۲-۲۸۲) و استصحاب را تعبداً حجّت بدانند، آن هم به عنوان یک اصل نه یک اماره ظنیه.

شیخ انصاری در این باره می‌نگارد:

نخستین کسی که به اخبار استصحاب برای اثبات حجیت آن-تمسک کرد، پدر شیخ بهایی رحمته‌الله در عقد طهماسبی بود... سپس بین کسانی که متأخر بودند، شایع شد (شیخ انصاری، ۱۳۷۵: ۶۴۸/۲).

ولی مسلماً آن بحث محدود پدر شیخ بهایی یا صاحب الذخیره تنها به عنوان یک احتمال در مقابل دلیل عقلی مسلم و بنای عقلا مطرح شده و هیچ‌گاه تا زمان مباحث دقیق شیخ، اخبار استصحاب این گونه مورد بررسی و اهتمام قرار نگرفته بود.

### د) پیرایش علم اصول

از مباحث اصولی اهل سنت گرچه امروزه رویکرد دانش فقه و اصول، رویکرد به فقه مقارن و اصول مقارن است و وارد ساختن آنچه در کتابهای اصول اهل سنت مورد توجه است (همانند قیاس و استحسان، مصالح مرسله و سد ذرایع و...) در کنار مباحث اصولی شیعه و بحث و بررسی آنها یک ارزش تلقی می‌شود، از آنجا که این گونه مباحث سبب تهمت زدن به اصولیان شیعی شده بود که به تقلید و پیروی از اهل سنت به علم اصول روی آورده‌اند و می‌رفت تا چنین اتهامی به ریشه دانش

اصول در شیعه صدمه بزند، اصولیان عصر اخباری‌گری جدید و پس از آن، تلاش کردند تا این مباحث را از علم اصول خارج سازند.

این کار هم اصولیان را از چنین اتهامی مبرا می‌ساخت و هم نشان‌دهنده آن بود که اصولیان شیعی به هدف تکمیل منابع استنباط دست به وارد ساختن مباحث اهل سنت نزده‌اند؛ زیرا منابع استنباط از نظر آنان ناقص نبوده است تا نیاز به تکمیل داشته باشد، بلکه هدف تحقیق در جوانب مختلف دانش فقه و به دست آوردن راه درستی برای استنباط بوده است. در این مسیر ضرورتی نبود تا مباحثی چون قیاس و استحسان که نقشی در فقه شیعه نداشت بلکه مورد نهی هم واقع شده بود، در اصول فقه بحث شود؛ لذا علم اصول از چنین مسائلی رهایی یافت. معلوم است چنین پالایشی از خدمات اخباری‌گری جدید به شمار می‌رود. هرچند در صدد تراشیدن عذر برای این مخالفت اخباریان با اصول اهل سنت و شیعه نیستیم؛ زیرا مخالفت آنان با اصول اهل سنت ناشی از تعصب شدید و تنفر آنان از سنتی‌گری بود که شرایط سیاسی زمان هم به چنین ابراز تنفیری دامن می‌زد؛ بنابراین، همین مطلب می‌تواند به عنوان خلفیات آنان مطرح شود که به آن خواهیم پرداخت.

## ۲. رسوبات اخباری‌گری در اندیشه اصولیان

تأثیرات منفی اخباری‌گری در اندیشه اصولیان از ضایعات علمی به شمار می‌رود که آثار منفی آن تا عصر کنونی هنوز دیده می‌شود. در این بخش، ضمن چند مبحث به برخی از این آثار منفی اشاره می‌کنیم:

### ۲-۱. فاصله گرفتن از اصول فقه مقارن

گرچه در مبحث قبل و در ارتباط با خدمات اخباریان جدید، زمینه‌سازی آنان برای پالایش مباحث اصولی شیعه از عناصر وارداتی از اهل سنت معرفی شد - و این سخن در جای خود سخن درستی است - این پالایش در حدی که اصول شیعه و معتقدات اصولی از آنچه عناصر وارداتی از اهل سنت می‌نامیم، تفکیک شود، برای این امر کافی بود؛ به گونه‌ای که محقق اصولی وقتی در آثار اصولی شیعه می‌نگرد، علاوه



بر به دست آوردن نظریه‌های شیعه در اصول، از آرای غیر شیعه هم در کنار آرای شیعه مطلع شود تا در مقام مقایسه بتواند صحیح را از سقیم جدا سازد.

متأسفانه خالی شدن کتابهای فقهی و اصولی شیعه پس از عصر اخباری‌گری از آرای فقهی و مسائل اصولی اهل سنت، دانش اصول مقارن را که از نیازهای اساسی امروز است، کمرنگ ساخت. عالمان بزرگ امامی که پاره‌ای از آنان در صفحات همین نوشته یاد شدند، مهارت و احاطه فراوانی بر فقه و اصول مقارن داشتند؛ به گونه‌ای که برای هر فرقه‌ای با دلیل و مذهب خود آن فرقه سخن گفته، استدلال می‌نمودند، ولی اصرار اخباریان جدید بر اتهام وارداتی بودن اصول شیعه، سبب تخلیه این دانش از کتابهای فقهی و اصولی ما و کمرنگ شدن دانش فقه و اصول مقارن گردید.

خوشبختانه در سالهای اخیر، احساس نیاز منطقی به داشتن اطلاعات کافی از فقه و اصول مقارن، محققان را وادار به تتبع بیشتر در این زمینه ساخته و اندک‌اندک می‌رود تا علمای شیعه در کتابهای فقهی و اصولی، دانش اصول را به شکل مقارن مطرح سازند.

## ۲-۲. دوری جستن از شرکت در مظاهر مختلف سیاست و حکومت

گرچه روایاتی در ترجیح عزلت‌گزینی در عصر غیبت داریم، به احتمال زیاد، همان طور که در برخی روایات آمده است، این کار یا ریشه در وحشت از مردم دارد که به مقدار شناخت انسان از مردم بستگی دارد یا ریشه عرفانی در انس با خدای سبحان دارد. به هر حال به معنای حمایت نکردن و همراهی نکردن با حکومت حق نیست؛ زیرا چه خدمتی بالاتر از اینکه به یاری حکومتی همت گماشت که زمینه‌ساز گسترش احکام خدا در روی زمین است. حضور قاطع عالمان دین هم حمایت‌گر است و هم هدایت‌گر، ولی متأسفانه این امر کمرنگ می‌نماید. البته علتهای متعددی برای چنین پدیده‌ای می‌توان جست‌وجو کرد، ولی نمی‌توان منکر شد که یکی از علتهای همان رسوبات اندیشه اخباری‌گری در اذهان برخی اصولیان امروزمین است. گویا این مورد را جزو شبهات تحریمیه به حساب آورده‌اند و حکم به حرمت آن

صادر نموده‌اند.

نویسنده در صدد انکار حضور ارزشمند عالمان راستین دین و تلاشهای مستمر و شبانه‌روزی آنان که هم در اصل ایجاد این تحول و گرایش ارزشمند به سمت و سوی حکومت دینی و هم در تداوم بقای این حرکت تأثیر اساسی داشته است، نیست، بلکه گلایه‌مندی از عدم همراهی دیگرانی است که حضورشان ضروری و سکوتشان موجب تفرقه و بی‌اعتمادی مردم است.

## ۳-۲. فتوا به احتیاط در موارد متعدد در رساله‌های عملیه

از شاخصه‌های اخباریان، فتوای به احتیاط در شبهات حکمیه است، در حالی که در همان شبهات به عقیده اصولیان، براءت جاری است و باید حکم به براءت داد. شیخ انصاری در آنجا که سخن یکی از اخباریان را نقل می‌کند که اخباری به قول معصوم ع عمل می‌کند و هر جا که حکم را نداند به احتیاط عمل می‌کند پس مؤاخذه نخواهد شد، می‌گوید: کسی منکر خوب بودن احتیاط نیست، ولی سخن آن است که فتوای به احتیاط غیر از عمل کردن به احتیاط است. فتوای به احتیاط خود شبهه‌ای تحریمیه است؛ زیرا چون وادار ساختن مردم به احتیاط در تمام شبهات، موجب تنفر آنان از دین خدا می‌شود، پس مفسده آن بسیار بیشتر از فتوا دادن به براءت است (شیخ انصاری، ۱۳۷۵: ۴۳۸/۱).

بنابراین، اصولیان که این مبحث را در کتابهای اصولی خود با شدت و حدت دنبال می‌کنند، چگونه است در رساله‌های عملیه این قدر به سراغ فتوای به احتیاط می‌روند؟ شاید این هم از آثار و رسوبات بر جای مانده از اندیشه اخباری‌گری است که تأثیر خودش را بر اصولیان تا عصر حاضر بر جای گذاشته است.

البته کلام در مقایسه بین فتاوای قبل و بعد از اخباری‌گری نیست؛ زیرا رساله‌های عملیه به شکل کنونی که حاوی فتاوای مجتهدان است، در زمانهای اخیر رواج یافته است. سخن آن است که اصولی با چنان اندیشه‌ای که نقل شد، نباید در مقام فتوا این اندازه فتوای به احتیاط بدهد. اخیراً حرکتی در راستای نوشتن رساله عملیه بدون آنکه فتوای به احتیاط در آن باشد، آغاز شده است.

## ۲-۴. برنتافتن نوآوریها

پویایی اجتهاد شیعی، تازگی و طراوت همیشگی را برای فقه شیعه به ارمان آورده است تا آن حد که می‌توان ادعا کرد، این اجتهاد پویا توان‌مندی کافی (بالفعل یا بالقوه) برای پاسخ‌بایی و پاسخ‌گویی به تمامی مسائل نوپیدای کنونی را دارد.

مسیر دست‌یابی به نقطه اجتهاد، مسیری بسیار دشوار، پرخطر و پرآفت است که کمتر کسی حاضر به پذیرفتن خطرها و دشواریهای آن است. در بین اندک افراد خطرپذیر و پرباقت، افرادی که از آفتها در سلامت بمانند، بسیار کمترند تا آن‌گاه که به قلّه اجتهاد دست یابد، بتواند دین خدا را بفهمد، عمل کند و بفهماند.

روشن است که باید زمانی بس طولانی سپری شود تا شخص بتواند به این جایگاه رفیع دست یابد و این مسئله با هجوم فراوان مسائل نوپیدا و رو به فراوانی و تکثر امروزین هیچ تناسبی ندارد. باید تلاش کرد تا دشواریهای مسیر کم شود تا آنهایی که این راه پرخطر را پیموده‌اند، در زمانی معقول، قدرت اجتهاد را یافته و فرصت کافی برای پرداختن به همه مسائل نوپیدا برایشان فراهم گردد، نه اینکه وقتی چنین توان‌مندی را بیابند، دیگر فرصت، انگیزه و قدرت کافی برای پرداختن به همه نیازهای جامعه انسانی در آنها نباشد.

به نظر می‌رسد یکی از راههای کوتاه ساختن این مسیر، رسیدگی به متون درسی باشد که هم از نظر شکل و هم محتوا زمینه‌ساز چنین اجتهادی متناسب با نیاز زمان باشد.

متأسفانه جمود بر متون موجود - که البته بسیار ارزشمندند - راه را بر چنین تحوّل‌ی بسته است و این جمود به تفکر اخباری‌گری شبیه‌تر است تا اندیشه پویای اصولی؛ از این رو، ادعای اینکه جمود بر این متون نیز از رسوبات اندیشه اخباری‌گری است، ادعایی دور از واقعیت نیست.

نویسنده که خود از دانش‌آموختگان همین متون است و سالها توفیق مباحثه همین متون را نیز داشته، در صدد انکار ارزشمندی این متون نیست. حتی پیشنهاد جایگزینی آن را با هیچ متن خاصی را ارائه نمی‌کند، بلکه اعتقاد دارد باید همین متون که اساس و پایه اجتهاد صحیح بر آن شکل گرفته، باقی باشد و تدریس گردد.

آنچه نویسنده در صدد بیان آن است، اصل چنین فکری است که متناسب با اجتهاد و پویایی مکتب تشیع است و متأسفانه انکار چنین تفکری موجب آن شده است که هیچ محقق و دانشمند فرهیخته‌ای به خود اجازه اقدام عملی در این زمینه را ندهد و نتیجه چنین جریان‌ی، عقب‌ماندگی هر چه بیشتر از پاسخ‌بایی و پاسخ‌گویی به مسائل نوپیدای امروزین است.

خوشبختانه حرکت‌های تازه‌ای در حوزه‌های علمیه برای بررسی بیشتر این موضوع و چاره‌سازی برای این مشکل آغاز شده است که امید است منشأ برکات فراوانی برای جامعه علمی باشد.

## نتیجه

در مجموع حرکت اخباری‌گری را با تمام لطمات و صدماتی که برای فقه امامیه داشته است، نمی‌توان حرکتی کاملاً منفی تلقی نمود، بلکه با توجه به نیت خیرخواهانه بنیان‌گذاران آن، آثار ارزشمندی نیز بر جای مانده که باید از آنها استفاده بهینه کرد. البته حرکت‌های افراطی در هر جریان سالمی مضرات خود را بر جای می‌گذارد که باید کاملاً مراقب بود و با شناسایی تأثیرات منفی این حرکت، برنامه‌ریزی درستی برای مقابله با آن ارائه داد.

## کتاب شناسی

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایة الاصول، چاپ هشتم، قم، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۹ ق.
۳. انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول، قم، دهاقانی، ۱۳۷۵ ش.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۵. فاضل لنکرانی، محمد، ایضاح الکفایه (درسهای متن کفایة الاصول)، به قلم سیدمحمد حسینی قمی، چاپ دوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی دار الکتب، ۱۳۷۴ ش.
۶. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، تهران، سمت، قم، چاپ مهر، ۱۳۷۵ ش.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

